



ط) دلیل عقلی

مرحوم سید یزدی در غایة القصوی^۱ تعبیری دارند که به نوعی ادعای قبح عقلی در حلق لحيه است. ایشان می-نویسد: «بلکه دعوی قبح عقلی آن فی نفسه بعید نیست».

مرحوم طبسی این مطلب را چنین مطرح می‌کند:

«چهارم» حکم عقل است بقبیح بودن این عمل، به بیان آنکه همه ماها مملوک خدا هستیم و او است مالک الرقاب همه، و معنای عبودیت عمل کردن عبد است بآنچه در او رضای مولای حقیقی است و تصرف نمودن در امور متعلقه بمولا، مگر آنچه خودش ترخیص نموده باشد، و تصرف در غیر آنها بدون اذن او قبیح و ظلم است.^۲

ما می‌گوئیم:

بیان ایشان آن چیزی است که به عنوان «حق الطاعة» مطرح شده است و اصل اولی در اشیاء را «حظر» و احتیاط بر می‌شمارد، اما روشن است که ادله برائت شرعی و عقلی حاکم بر چنین اصل اولیه‌ای است و لذا در همه امور اصل بر برائت است الا اینکه از ناحیه شارع حرمت یا وجوبی ثابت شود.

ی) مرحوم سیدحسین عرب باغی در رساله «تحفه در مذمت حلق لحيه»

علاوه برخی ادله مطرح شده، به آیه «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» استناد کرده و به کمک روایات که شانه کردن ریش را زینت دانسته است، حکم به حرمت حلق لحيه کرده است.^۳

روشن است که این دلیل کامل نیست چراکه اصل رفتن به مسجد واجب نیست تا أخذ زینت در آن واجب باشد.

ک) ایشان همچنین به آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» استناد کرده است و می‌نویسد:

از زمره وسائل غلبه بر دشمن، سیاه کردن ریش است، که فرع وجود ریش می‌باشد.^۴ در این باره هم می‌توان گفت اولاً اگر هم بپذیریم در روزگاری وجود ریش سیاه عامل تقویت بوده است، باید بگوئیم حکم منوط به آن

۱. ج ۲، ص: ۳۳۰

۲. المنیه، ص: ۶۶

۳. ص: ۱۰

۴. همان، ص ۱۱



است که چنین امری امروزه استمرار داشته باشد. ثانیاً: اگر هم واجب باشد، در حال جنگ واجب است نه مطلقاً و ثالثاً: این با روایات منع از تغییر موی سفید در تعارض است.

✓ جمع بندی بحث حلق لحيه

۱. دلیلی بر حرمت نداریم.
۲. می توان به استحباب اعفاء لحيه قاتل شد الا اینکه بگوئیم آن هم به علت عدم تشبیه به کفار بوده و حکم مقید است.
۳. احتیاط به هر حال حسن علی کل حال.

❖ خاتمه:

در پایان ۳ نکته را می توان مطرح کرد:

نکته اول:

مرحوم خوبی یک جا فتوا داده اند که باید به اندازه ای که صدق ریش شود، ریش را باقی گذارد^۱ و جایی دیگر می نویسند: «لیس العارضان من اللحيه و ما یحرم حلقه منها هو الذقن»^۲ (تنها تراشیدن چانه حرام است) ما می گوئیم:

با توجه به اینکه در معنای لحيه گفتیم موی روئیده بر صورت (اعم از گونه و چانه) لحيه است و روایت بزنتی را هم ناظر به بحث حلق ندانستیم، باید بپذیریم که هرگونه حکمی در مسئله مربوط به مطلق موی برآمده بر صورت است و «چانه» ویژگی خاصی ندارد.

نکته دوم:

مرحوم خوبی در پاسخ به استفتائی که می پرسد: اگر کسی روز اول حلق لحيه کرد ولی روزهای بعد، قبل از درآمدن ریش، صورت را تراشید، حکمش چیست؟ جواز این امر را مشکل می داند و مرحوم تبریزی حکم به حرمت می کنند.^۱

۱. صراط النجاه، ج ۲، ص ۲۸۴

۲. صراط النجاه، ج ۲، ص ۲۸۵



مرحوم تبریزی در استدلال برای حرمت، می‌نویسند: آنچه واجب است وجود لحيه است و حلق از باب ترک واجب حرام است.^۲

ما می‌گوئیم:

اولاً: آنچه روز دوّم واقع می‌شود، عرفاً حلق لحيه است چراکه موی ریز برآمده بر صورت را عرف ریش می‌داند. ثانیاً: از مجموع ادلّه نمی‌توان حکم به وجوب ابقاء ریش را استفاده کرد و اگر ادلّه دلالت داشته باشند حرمت حلق را ثابت می‌کند و لذا کلام مرحوم تبریزی کامل نیست.

نکته سوم:

اگر گفتیم ریش تراشی حرام است، فرق بین جزء و کل آن نیست، حال اگر گفتیم آنچه واجب است ابقاء لحيه است، می‌توان به مقداری که «صدق بقاء لحيه» کند، بسنده کرد و لذا روی گونه و زیر گردن را می‌توان حلق کرد. ولی اگر گفتیم حلق لحيه حرام است، حلق هر جزء لحيه حرام است الاً اینکه بگوئیم برخی از مواضع صورت، منصرف عنه است.^۳

۱. صراط النجاه، ج ۱، ص ۴۳۵

۲. همان

۳. ن ک: رسائل و مسائل، نراقی، ج ۱، ص ۲۶۴ / مجموعه مقالات، سید عبدالحسین لاری، ص ۳۰۴